

بررسی نقش مبارزاتی سید حسین علم الهدی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی

مرضیه بیگی زاده^۱

چکیده

سید حسین علم الهدی از شخصیت‌های مؤثر سازمان توحیدی موحدین بود که در مهم‌ترین عملیات‌های این سازمان حضور فعالی داشت. پرسشی که مطرح است این است که سید حسین علم- الهدی چگونه و تحت چه شرایطی جذب فعالیت‌های سیاسی گردید؟ چرا از بین گروه‌ها و سازمان- های فعال در عرصه مبارزه علیه نظام پهلوی جذب سازمان موحدین و پشتیبانی از نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی روی آورد؟ این مقاله با بهره‌گیری از خاطرات شفاهی، اسناد و پژوهش‌های انجام‌شده و با تکیه بر رویکرد توصیفی-تحلیلی می‌کوشد رفتار سید حسین علم الهدی را در این موضوع ارزیابی کند. مقاله سرانجام به این نتیجه می‌رسد که تولد و رشد و نمو در یک خانواده مذهبی، پشتیبانی و ارادت اعضای خانواده نسبت به امام خمینی، تأثیر آموزه‌های اسلامی و نشست و برخاست با شخصیت‌های مبارز در موضع‌گیری‌های سید حسین علم الهدی و حمایت از نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی تأثیرگذار بوده است.

واژه‌های کلیدی: سید حسین علم الهدی، سازمان موحدین، آیت‌الله سید مرتضی علم الهدی، امام خمینی، نهضت اسلامی.

Examining the fighting role of Seyed Hossein Alam Al-Hoda before the victory of the Islamic Revolution

Marzieh Biggie Zadeh¹

Abstract

Sayyed Hossein Alam Al-Hoda was one of the influential figures of the Tawheed Organization, who was actively present in the most important operations of this organization. The question is that How and under what conditions was Hossein Alam El-Hoda attracted to political activities? Why, among the groups and organizations active in the field of struggle against the Pahlavi regime, did he turn to the Movahedin organization and support the Islamic movement under the leadership of Imam Khomeini? This article tries to evaluate the behavior of Seyyed Hossein Alam Al-Hoda in this matter by using oral memories, documents and conducted researches and relying on the descriptive-analytical approach. Finally, the article comes to the conclusion that the birth and growth in a religious family, the devotion of the family members towards Imam Khomeini, the influence of Islamic teachings and meetings with militant figures have been influential in the positions of Seyyed Hossein Alam Al-hoda and the support of the Islamic movement under the leadership of Imam Khomeini.

Keywords: Seyyed Hossein Alam El-hoda, Movahadin Organization, Ayatollah Seyed Morteza Alam El-hoda, Imam Khomeini, Islamic Movement.

۱- مقدمه

توجه به نقش شخصیت‌ها در تاریخ از محورهای مهم تاریخ‌نگاری است که تحت عنوان «تاریخ‌نگاری شخصیت‌محور» از آن نام برده می‌شود. البته وقوع حادثه مهمی مانند انقلاب حاصل اقدامات یک یا چند شخصیت مشخص نیست؛ بلکه ماحصل مبارزات جریان‌ها، سازمان‌ها و تشکل‌های مختلفی است که علیه نظام موجود جنگیده‌اند. انقلاب ۱۳۵۷ ایران نیز از وقایع مهمی بود که شخصیت‌های فراوانی در قالب احزاب، سازمان‌ها، گروه‌ها و تشکل‌های سیاسی نقش مؤثری در پیروزی آن داشتند. در همین راستا سازمان موحدین از تشکل‌های مذهبی و طرفدار نهضت اسلامی که توسط چند تن از مبارزان در اهواز تأسیس شد، در سال ۱۳۵۷ و ماه‌های منتهی به انقلاب به اقدامات مهمی در جنوب کشور، کرمان و تهران دست یازید که سید حسین علم الهدی به عنوان یکی از اعضای فعال این سازمان در عملیات‌های طرح‌ریزی شده توسط سازمان حضور فعال و پررنگی داشت.

سید محمدحسین علم الهدی^۱ در سال ۱۳۳۷ در خانواده‌ای روحانی در اهواز به دنیا آمد. دوره تحصیل ابتدایی و متوسطه را در اهواز گذراند و در سال ۱۳۵۶ در دانشگاه فردوسی مشهد در رشته تاریخ پذیرفته شد. وی که از دوره نوجوانی وارد فعالیت‌های سیاسی شده بود در دوره جوانی با گسترش مبارزه علیه نظام نهضت اسلامی، به نحو مؤثرتری به فعالیت‌های سیاسی روی آورد و به همراه چند تن از همفکران خود سازمان موحدین را تأسیس نمود که در قالب آن عملیات‌های مهمی را طرح‌ریزی کردند که برخی از آنها بسیار تأثیرگذار بودند. با وجودی که بیشتر اعضای گروه موحدین اهل خوزستان بودند؛ اما فعالیت‌های آن محدود به خوزستان نشد و در اندک زمانی به شهرهای کرمان و تهران نیز تسری یافت.

۱. محمدحسین علم الهدی نام شناسنامه‌ای شهید سید حسین علم الهدی است به دلیل اینکه بیشتر با نام «حسین» مشهور است از این به بعد با نام «سید حسین علم الهدی» از ایشان نام خواهیم برد.

سید حسین علم‌الهدی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با حضور در تهران به کمیته استقبال از امام پیوست. سپس با حضور در شورای فرماندهی سپاه خوزستان به فعالیت‌های فرهنگی از جمله تشکیل کلاس‌های نهج‌البلاغه روی آورد.

گفته می‌شود سید حسین علم‌الهدی از طریق دیدار و مکاتبه با برخی از نمایندگان خوزستان در مجلس خبرگان قانون اساسی گنجانیدن مسئله ولایت‌فقیه در قانون اساسی را پیگیری نمود و این طرح را از طریق نمایندگان خوزستان، آیت‌الله موسوی جزایری و کیاوش به مجلس خبرگان رساند. با آغاز جنگ تحمیلی سخنرانی‌هایی با موضوع «جهاد در قرآن» و «سیری در نهج‌البلاغه» در رادیو اهواز به روی آنتن برد. پس از گذشت دو ماه از آغاز جنگ به فرماندهی منطقه مرزی هویزه تعیین شد و سرانجام در ۱۶ دی ۱۳۵۹ به همراه تنی چند از دانشجویان پیرو خط امام در منطقه هویزه به شهادت رسید.

پرسشی که در مورد ایشان مطرح است این است که سید حسین علم‌الهدی چرا و چگونه به مبارزات سیاسی و مسلحانه علیه نظام حاکم روی آورد؟ این مقاله با بهره‌گیری از اسناد، خاطرات شفاهی و پژوهش‌های انجام‌شده، درصدد پاسخ‌گویی به پرسش‌های مطرح‌شده و روشن‌ساختن بخشی از زندگی و مبارزات سید حسین علم‌الهدی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی است.

۲- پیشینه مبارزاتی خانواده سید حسین علم‌الهدی

سید مرتضی علم‌الهدی، پدر سید حسین علم‌الهدی، از سادات جزایری شوشتر بود که در حدود ۱۲۸۰ ش. در شوشتر متولد و از همان دوره جوانی به همراه برادر خود، سید جعفر علم‌الهدی، برای ادامه تحصیلات حوزوی به نجف رفت (علم، ۱۳۸۶: ۱/ ۲۳۹). او در سال ۱۳۲۵ ش، پس از کسب درجه اجتهاد و اجازه از ۱۴ تن از علمای نجف به ایران بازگشته و در اهواز ساکن شد (سید محمد علم‌الهدی، ۱۵ مهر ۱۳۹۶). در اهواز مورد توجه و استقبال مردم قرار گرفت و در مسجد مرعشی (که بعداً به مسجد علم‌الهدی معروف شد) به اداره‌ی امور مسجد و سخنرانی و وعظ

پرداخت (علم، ۱۳۸۶: ۱ / ۲۴۰). علاوه بر آن در منزل شخصی خود نیز کلاس درس تشکیل می‌داد (سید محمد علم الهدی، ۱۵ مهر ۱۳۹۶؛ سید حمید علم الهدی، ۵ مهر ۱۳۹۶). برخی بر این عقیده‌اند که آیت‌الله علم الهدی فردی مبارز و از ابتدا دارای موضعی محکم و مخالف با برخی سیاست‌های رژیم بوده است. یکی از مواردی که به آن استناد می‌کنند حضور در حادثه مهاجرت به تهران در اعتراض به دستگیری امام خمینی بعد از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ است (سید محمد علم الهدی، ۱۵ مهر ۱۳۹۶). نکته قابل توجه این است که از خوزستان تنها چند تن از علما در این مهاجرت شرکت کردند که از اهواز تنها آیت‌الله سید مرتضی علم الهدی حضور داشت (علم، ۱۳۸۶: ۱ / ۲۴۲).

همچنین بعد از حادثه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، بیت آیت‌الله علم الهدی به محل برگزاری جلسه و سکونت سخنرانانی که از قم یا سایر شهرهای کشور به اهواز می‌آمدند، تبدیل شد. از جمله این افراد می‌توان به آیت‌الله یزدی، آیت‌الله خزعلی، حجت‌الاسلام شیرازی، حجت‌الاسلام محمودی، مفتح و ... اشاره کرد (علم، ۱۳۸۶: ۱ / ۲۴۵).

اسناد ساواک نیز حکایت از این امر دارند که پس از اعلام تبعید امام خمینی در سال ۱۳۴۳، آیت‌الله علم الهدی از اهواز اظهار داشت که «باید درب تمام مساجد بسته شود» که آیت‌الله بهبهانی با این عمل مخالفت کرد و گفت: «به پاس احترام آقای خمینی مدت ده روز پیش‌نمازان به مسجد نروند ولی درب مساجد باز باشد» (مراسان، سند شماره ۰۰۶۷۱۰۹۳) و حتی به منظور مذاکره در این موضوع جلسه‌ای با حضور روحانیون اهواز در منزل آیت‌الله علم الهدی تشکیل شد (مراسان، پرونده شماره ۲۹۰۹۴).

بعد از خرداد ۱۳۴۲ مبارزه و مخالفت علیه رژیم پهلوی به رکود و سستی گرایید و بسیاری از علما و روحانیان نیز به نوعی خانه‌نشین شدند یا از فعالیت‌های مؤثر بازماندند. آیت‌الله علم الهدی نیز از این قاعده مستثنا نبود (علم، ۱۳۸۶: ۱ / ۲۴۹) و به نظر می‌رسد بیشتر فعالیت‌های ایشان معطوف به تشکیل کلاس‌های درسی و پرورش طلاب گردید تا اینکه در سال ۱۳۵۲ از دنیا رفت (سید محمد علم الهدی، ۱۵ مهر ۱۳۹۶).

سید مصطفی علم‌الهدی^۱ برادر بزرگ‌تر سید حسین علم‌الهدی، نیز از مبارزان و پیروان امام خمینی به شمار می‌رفت. او در سال ۱۳۰۹ متولد شد که طبق سنت خاندان آیت‌الله علم‌الهدی، پس از فراگیری سواد خواندن و نوشتن، به تحصیل دروس حوزوی پرداخت و به کسوت روحانیت درآمد (علم، ۱۳۸۶: ۱/۲۵۰-۲۴۹). وی که تحصیلات حوزوی خود را در حوزه علمیه قم به اتمام رسانده بود، از شاگردان و مریدان امام خمینی محسوب می‌شد و بسیار مورد توجه ایشان بود (اشعری، ۲۷ مهر ۱۳۹۶).

سید مصطفی علم‌الهدی پس از وفات آیت‌الله سید مرتضی علم‌الهدی در سال ۱۳۵۲، از قم به اهواز آمد و به جهت اعتباری که پدرشان بین مردم خوزستان داشت به محل رجوع مردم تبدیل شد (سید محمد علم‌الهدی، ۱۵ مهر ۱۳۹۶).

سید مصطفی علم‌الهدی در حمایت از امام خمینی اقداماتی انجام داد؛ از جمله در تیر ۱۳۴۲ نامه‌ای به شاه نوشت و آزادی امام خمینی را خواستار شد (علم، ۱۳۸۶: ۱/۳۴۳) و در سال‌های پس از خرداد ۱۳۴۲ که کسی جرئت نمی‌کرد اسم امام خمینی را بالای منبر ببرد، ایشان در مجالس و سخنرانی‌های خود نام امام خمینی را به‌طور آشکار مطرح می‌کرد (علم، ۱/۲۵۱-۲۵۰). اسناد ساواک هم حکایت از این امر دارند که در این زمان طرفداران سید مصطفی علم‌الهدی چنین شایع کرده بودند که سید مصطفی علم‌الهدی از طرف امام خمینی به اهواز آمده است و ایشان هم عنوان نموده‌اند که «آن‌قدر در اهواز می‌مانم^۲ و به منبر می‌روم که مجبور شوند دستگیرم کنند» (ر.ک. مراسم، سند شماره ۰۰۶۶۸۰۴۹).

به دلیل سخنرانی‌ها و فعالیت‌های سید مصطفی علم‌الهدی علیه حکومت، چند بار توسط ساواک دستگیر شد که به دلیل نفوذی که آیت‌الله سید مرتضی علم‌الهدی در میان مردم داشت، ساواک و شهربانی نتوانستند مدت زیادی وی را بازداشت کنند (علم، ۱۳۸۶: ۱/۲۵۰).

۱. آیت‌الله سید مرتضی علم‌الهدی پس از فوت همسر اولشان مجدداً ازدواج کردند که سید مصطفی علم‌الهدی حاصل ازدواج اول ایشان و در واقع برادر ناتنی سید حسین علم‌الهدی محسوب می‌شود.

۲. سید مصطفی علم‌الهدی در این مقطع زمانی در قم به سر می‌بردند.

همچنین پس از تبعید امام خمینی به نجف، در برخی موارد سهم امام توسط سید مصطفی علم-الهدی و به هنگام مسافرت به عراق، برای امام خمینی ارسال می‌شد (برای نمونه ر.ک. مراسان، سند شماره ۰۰۸۳۴۰۵۲ و سند شماره ۰۰۸۳۴۰۵۳).^۱

۳- ورود آیت‌الله سید محمد موسوی جزایری به اهواز و رونق فعالیت‌های سیاسی

ورود آیت‌الله سید محمد موسوی جزایری به اهواز در سال ۱۳۵۳ و اقامه نماز در مسجد جزایری، باعث شد این مسجد به مرکزیت فعالیت‌های انقلابی نیروهای مذهبی اهواز تبدیل شود (بخشنده، ۲ آذر ۱۳۹۶).^۲ به طوری که به تدریج مسجد جزایری اهواز پایگاه اسلام‌خواهان شد و توانست در برابر افکار مارکسیستی، که آن روزها طرفداران زیادی داشت، قد علم کند و در برابر هجوم بی‌بندوباری غرب‌گرا هم سد محکمی باشد (ر.ک. مسرتی، ۱۳۹۶: ۲۱-۱۵).

سید حسین علم‌الهدی یکی از جوانان فعال این مسجد بود؛ به طوری که به جهت مطالعه و آشنایی با نهج‌البلاغه، در برنامه‌های کتابخانه مسجد جزایری به همراه عادل اسدی نیا کار ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه را بر عهده داشتند (مسرتی، ۱۳۹۶: ۳۸). سید حسین علم‌الهدی همچنین دوستان خود را نیز به این مسجد دعوت می‌کرد. صادق آهنگران در این باره می‌گوید: «... حسین [علم‌الهدی] پای مرا هم به آنجا باز کرد و به این ترتیب، فعالیت‌هایمان را از این مسجد به صورت جدی‌تر ادامه دادیم» (اکبری، ۱۳۹۱: ۴۸).

۴- شروع مبارزات سید حسین علم‌الهدی

۱. نکته مهم در مورد سید مصطفی علم‌الهدی تغییر موضع ایشان نسبت به امام خمینی است که توضیح آن خارج از موضوع این مقاله است (برای توضیح بیشتر در این مورد ر. ک. به علم، ۱۳۸۶: ۱/۲۵۴-۲۴۳).

۲. «بخشنده» نامی مستعار است و به درخواست راوی از ذکر نام واقعی ایشان خودداری می‌شود.

دوران نوجوانی و جوانی سید حسین علم‌الهدی با گسترش مبارزات نهضت اسلامی هم‌زمان بود که وی نیز تحت تأثیر آموزه‌های قرآنی و اسلامی که حاصل تحصیل در یک مدرسه مذهبی، شرکت در کلاس‌های تفسیر قرآن و نهج‌البلاغه، رشد و نمو در یک خانواده روحانی و مذهبی و ارتباط نزدیک با روحانیان سیاسی بود، به مبارزه و قیام علیه آنچه مظاهر ظلم و فساد تلقی می‌شد، روی آورد که در ادامه به فعالیت‌های وی پرداخته می‌شود.

۴-۱- آتش زدن سیرک مصری

یکی از اقدامات دوستان و همفکران سید حسین علم‌الهدی در سال ۱۳۵۱ش، آتش زدن چادر سیرک مصری‌ها در اهواز بود که ظاهراً این اقدام در اعتراض به حضور زنان حاضر در سیرک با ظاهر غیر اسلامی صورت گرفت (بایرامی، ۱۳۹۴: ۲۶).

سید حسین علم‌الهدی به دوستانش اطلاع داد که چنین سیرکی با این مشخصات در حال برگزاری است، به همین سبب آنها تصمیم گرفتند که برای تعطیلی آن به یک اقدام عملی دست بزنند؛ اما قبل از آن از سید علی شفیعی استخاره‌ای گرفتند که آیه *وَ قَطَعْتَ دَابِرَ الْمُتَكَبِّرِينَ* آمد. آنها پس از آتش زدن سیرک نامه‌ای به برگزارکنندگان نوشتند و از اقدامات آنها انتقاد نمودند (اشعری، ۲۷ مهر ۱۳۹۶).

بنا به گفته محسن اشعری، سید حسین علم‌الهدی در کل عملیات اعم از شناسایی سیرک، شناسایی زمان مناسب برای آتش زدن سیرک و تهیه مواد آتش‌زا حضور داشت اما در مرحله نهایی بنا به تشخیص وی، که از لحاظ سنی از سید حسین بزرگ‌تر بود، شرکت نداشت (اشعری، ۲۷ مهر ۱۳۹۶). اما سندی از اعتراف‌های جواد زرگران در دست است که نشان می‌دهد سید حسین علم‌الهدی در روز عملیات حضور داشته است (ر.ک. علم، ۱۳۸۶: ۴۱۷/۱-۴۱۶).

عاملان آتش زدن سیرک به دنبال یک حادثه دیگر در سال ۱۳۵۳ دستگیر شدند. ماجرا از این‌قرار بود که عده‌ای از جوانان و نوجوانان اهوازی، که بیشتر از اعضای انجمن دانشوران بودند، مراسم خاصی را برای روز عاشورای سال ۱۳۵۳ش تدارک دیدند که منجر به دستگیری

چند تن از اعضا گردید^۱ که ساواک پس از گذشت چند روز با اعتراف یکی از افرادی که در ماجرای روز عاشورا دستگیر شده بود، عاملان آتش زدن سیرک مصری سال ۱۳۵۱ش را شناسایی کرد (سید حمید علم الهدی، ۵ مهر ۱۳۹۶).

اسناد ساواک نشان می‌دهد سید حسین علم الهدی پس از اعتراف محمدحسین آقایی خروشان و سید جواد زرگران دستگیر شد (مراسان، پرونده شماره ۲۶۱۹۱).

سید حسین علم الهدی پس از دستگیری در بازجویی‌های خود به آتش زدن سیرک مصری اعتراف نمود (مراسان، پرونده شماره ۲۶۱۹۱). البته سید حسین علم الهدی پس از دستگیری تحت شکنجه ساواک قرار گرفت؛ اما منکر آتش زدن سیرک شد تا اینکه او را با جواد زرگران روبه‌رو کردند، در این زمان به‌ناچار پذیرفت که در آن حادثه حضور داشته است. سپس وی را به زندان نوجوانان بزهکار منتقل کردند که بعد از گذشت چند ماه آزاد شد (سید حمید علم الهدی، ۵ مهر ۱۳۹۶).

۴-۲- راه‌اندازی مراسم روز عاشورا و دستگیری سید حسین علم الهدی

تدارک مراسم خاص روز عاشورای سال ۱۳۵۳ از ابتکارهای «انجمن اسلامی دانشوران» بود که سید حسین علم الهدی نیز به این انجمن رفت و آمد داشت. انجمن برای اولین بار دسته‌ای از نوجوانان و جوانان عضو خود را به صورتی خاص، آماده‌ی شرکت در مراسم روز عاشورا کرد، بدون آنکه مراسمی از قبیل سینه‌زنی و زنجیرزنی و یا سایر اشکال ظاهری عزاداری را انجام دهند؛ بلکه صرفاً به صورت ردیف‌های دونفره درحالی که بازوبندهای آنها نام انجمن اسلامی دانشوران را داشت و در جلوی دسته، سید حسین علم الهدی، قرآن می‌خواند و نیز جمله «ان الحیاه عقیده و جهاد» را تکرار می‌کرد، در صفوف منظم و با لباس‌های یکنواخت سیاه، اقدام به راهپیمایی و عزاداری کردند (علم، ۱۳۸۶: ۱ / ۳۹۶). سید حسین و سید حمید علم الهدی وسط

۱. در مبحث بعدی به شرح واقعه مراسم روز عاشورای سال ۱۳۵۳ پرداخته می‌شود.

جمعیت بودند که یکی قرآن می‌خواند و دیگری ترجمه می‌کرد (سید حمید علم الهدی، ۵ مهر ۱۳۹۶).

جمعیت برخلاف رسم معمول سایر دسته‌ها که در میدان مجسمه به دور مجسمه شاه می‌چرخیدند و برای شاه دعا می‌کردند به‌طور عمده مسیر حرکت خود را تغییر دادند. پس از این تغییر مسیر، پلیس تصمیم گرفت راهپیمایان را دستگیر کند؛ اما نوجوانان که از نقش پلیس خبردار شدند، بین جمعیت تماشاچی پراکنده شدند و ساواک تنها توانست چند نفر را دستگیر کند (لحظه‌های آشنا، ۱۳۸۸: ۹).

به دنبال اعتراف چند تن از دانش‌آموزانی که در مراسم روز عاشورا دستگیر شده بودند، سید حسین علم‌الهدی نیز دستگیر و زندانی شد. او در زندان با توجه به باورهای مذهبی و علاقه فراوانی که به قرآن داشت، در ملاقات با خانواده از آنها درخواست کرد برای او یک قرآن بیاورند. همچنین آمده است که چندی بعد عده‌ای از زندانیان تحت تأثیر رفتار سید حسین علم‌الهدی به مناسک مذهبی از قبیل نماز جماعت و جلسات قرآن روی آوردند (لحظه‌های آشنا، ۱۳۸۸: ۱۱-۱۰). سید حسین علم‌الهدی پس از مدتی از زندان نوجوانان بزهدکار به زندانیان سیاسی منتقل شد و پس از تحمل چهار ماه حبس از زندان آزاد شد (سید حمید علم الهدی، ۵ مهر ۱۳۹۶).^۱

۵- پذیرش در دانشگاه فردوسی مشهد و ادامه مبارزات

سید حسین علم‌الهدی بعد از آزادی از زندان و احتمالاً تحت تأثیر هم‌نشینی با زندانیان سیاسی، به فعالیت‌های سیاسی روی آورد؛ چنانچه یکی از گزارش‌های تحلیلی ساواک مربوط به سال ۱۳۵۷ نیز به همین موضوع اشاره دارد که برخی از افراد دستگیر شده به خاطر خطاهای جزئی مشمول جریمه‌های سنگین شده که این موضوع سبب خشم و کینه آنها نسبت به سازمان گردیده یا

۱. البته مطابق اسناد ساواک سید حسین علم‌الهدی که در تاریخ ۱۳۵۳/۱۱/۱۶ دستگیر شده بود در تاریخ ۱۳۵۳/۱۲/۲۹ از زندان آزاد شد (مراسان، پرونده شماره ۲۶۱۹۱).

اینکه در اثر تلقینات و آموزش‌های مجرمان ورزیده و خطرناک تبدیل به عناصر اصلاح‌ناپذیری شده‌اند و در صف براندازان حکومت قرار گرفته‌اند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۸: ۶/۴۵۴).

فعالیت‌های سیاسی سید حسین علم الهدی پس از قبولی در دانشگاه افزایش یافت. اینکه فضای دانشگاه و شهر مشهد به چه صورت بوده است و سید حسین علم الهدی چگونه به سمت این فعالیت‌ها کشیده شد و چه فعالیت‌هایی در دوره تحصیل خود در دانشگاه انجام داد؟ موضوعاتی است که در مبحث بعدی به آن پرداخته می‌شود.

۵-۱- فضای سیاسی - فکری دانشگاه و شهر مشهد

در آن مقطع زمانی دانشگاه به محل فعالیت بسیاری از گروه‌های سیاسی چپ و راست تبدیل شده بود که هر کدام طرفداران خاص خود را داشتند. در چنین فضایی تعدادی از همفکران سید حسین علم الهدی جذب این سازمان‌ها شدند؛ اما سید حسین علم الهدی و عده‌ای دیگر از دانشجویان با حضور در جلسات آیت‌الله خامنه‌ای و هاشمی‌نژاد در مشهد همچنان در شمار نیروهای مذهبی و در پیشبرد اهداف نهضت اسلامی می‌کوشیدند. بنا به نقل یکی از دوستان سید حسین علم الهدی به نام یدالله، علت سالم ماندن اعتقادات برخی از نیروهای مذهبی که به دانشگاه راه یافته بودند این بود که آنها در فعالیت‌های مساجد هم حضور داشتند و ارتباط خود را با روحانیت حفظ کردند (یدالله، ۹ تیر ۱۳۹۷).^۱

درواقع یکی از وقایع مهم دوران زندگی سید حسین علم الهدی ارتباط با محافل مذهبی مشهد و از جمله آیت‌الله خامنه‌ای بود. آیت‌الله خامنه‌ای در سال ۱۳۵۶ش، در مسجد کرامت مشهد، جلسه تفسیر قرآن داشت که در این جلسات اغلب دانشجویان از جمله سید حسین علم الهدی شرکت

۱. «یدالله» نامی مستعار است و به درخواست راوی از ذکر نام واقعی ایشان خودداری می‌شود.

می‌کردند که با تعطیلی این مسجد، جلسات تفسیر در مسجد امام حسن برگزار می‌شد و سرانجام با تبعید آیت‌الله خامنه‌ای به ایرانشهر، این جلسات تعطیل شد (لحظه‌های آشنا، ۱۳۸۸: ۱۵).

در آن مقطع زمانی شهر مشهد با وجود حوزه قوی و شخصیت‌هایی همانند شیخ علی تهرانی، هاشمی‌نژاد، آیت‌الله خامنه‌ای و افراد مبارزی چون محمدتقی شریعتی و دکتر علی شریعتی، دارای جایگاه خاصی بود و دانشگاه مشهد نیز در کنار این حوزه انقلابی و شخصیت‌های انقلابی قرار داشت (تلاشان، ۸ تیر ۱۳۹۷) که طبعاً در موضع‌گیری دانشجویان مبارز تأثیرگذار بود. در فضایی که گرایش‌های چپ اعم از توده‌ای و مارکسیست به‌شدت فعال بودند، سیدحسین علم‌الهدی تأکید زیادی به قرآن و نهج‌البلاغه و تدریس و بحث در این زمینه‌ها داشت. درعین حال به مطالعه اندیشه‌های غیراسلامی هم توجه می‌کرد و حساسیت بسیار زیادی روی این موضوع داشت که مبدا توده‌ای‌ها و مارکسیست‌ها در جهت هدایت فکری دانشجویان اقدامی انجام دهند؛ به‌طوری‌که گاهی اوقات به دوستان و همفکران خود تذکر می‌داد که در این زمینه مراقبت کنند که مبدا طرفداران جریان چپ دانشجویان را به انحراف بکشند (احمدی، ۸ تیر ۱۳۹۷).

در آن زمان در مشهد روحانی به نام حبیب‌الله آشوری نیز حضور داشت که می‌توان وی را پدر معنوی و مرکزی برای الهام‌گیری فکری گروه فرقان به حساب آورد. به‌رغم فعالیت‌ها و سخنرانی‌های متعددی که آشوری علیه رژیم ایراد می‌کرد و در مشهد بروبیایی داشت، سید حسین علم‌الهدی هیچ‌گاه جذب وی نشد بلکه بر نفاق و دورویی وی نیز تأکید داشت (سید حمید علم‌الهدی، ۵ مهر ۱۳۹۶؛ محمدباقر تلاشان، ۸ تیر ۱۳۹۷).

۵-۲- فعالیت‌های سیاسی سید حسین علم‌الهدی در مشهد

سید حسین علم‌الهدی علاوه بر حضور در مساجد و جلسات سخنرانی، فعالیت‌های سیاسی خود را نیز با جدیت بیشتری ادامه داد؛ توزیع اعلامیه و تدارک و حضور در تظاهرات، حضور در جلسات شیخ علی تهرانی و سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد از جمله فعالیت‌های او در مشهد بود

(احمدی، ۸ تیر ۱۳۹۷؛ سید محمد علم الهدی، ۱۵ مهر ۱۳۹۶) شیخ علی تهرانی در واقع لیدر راهپیمایی‌های مشهد بود (سید محمد علم الهدی، ۱۵ مهر ۱۳۹۶) که به خاطر فعالیت علیه رژیم تبعید می‌شود و هنگامی که وی را برای محاکمه به مشهد می‌آورند، سید حسین علم الهدی به همراه چند تن از دوستانش نظم دادگاه را به هم زدند؛ به طوری که شیخ علی تهرانی را مجدداً به زاهدان برگرداندند که یک جلسه دیگری برای او برگزار کنند (تلاشان، ۸ تیر ۱۳۹۷).

سید حسین علم الهدی همچنین در مشهد اهتمام ویژه‌ای به تهیه، تکثیر و توزیع اعلامیه داشت و با جدیت این اقدام را پیگیری می‌کرد (سید حمید علم الهدی، ۵ مهر ۱۳۹۶).

در جریان تهیه و توزیع همین اعلامیه‌ها بود که یکی از هم‌اتاقی‌های سید حسین علم الهدی به نام «محمدعلی امیر زرگر» توسط مأموران ساواک دستگیر شد که پس از بازرسی محل زندگی آنها و به دست نیاموردن مدرک، پس از چند ساعت بازداشت، آزاد گردید. نکته قابل توجه در این حادثه این است که در زمانی که مأموران برای بازرسی محل زندگی آنها آمده بودند، «کلتی» که توسط سید حسین علم الهدی داخل یک جلد قرآن پنهان شده بود، از چشم مأموران مخفی ماند (سید حمید علم الهدی، ۵ مهر ۱۳۹۶)؛ بنابراین به نظر می‌رسد سید حسین علم الهدی در مشهد با مبارزات مسلحانه آشنا شده بود.

گفته می‌شود سید حسین علم الهدی همچنین در تدارک تظاهراتی که در مراسم تشییع جنازه حجت‌الاسلام کافی برگزار شد، نقش داشته است (لحظه‌های آشنا، ۱۳۸۸: ۱۴). در اسناد ساواک راجع به تظاهرات مذکور آمده است: «... روز ۳۷/۴/۳۱ [۱۳۵۷] جنازه متوفی [شیخ احمد ضیافتی کافی] با شرکت حدود ده هزار نفر از افراطیون مذهبی و طرفداران وی و سایر طبقات، تشییع و پس از طواف در حرم حضرت امام رضا (ع) به تهران منتقل شده است. در جریان تشییع جنازه نامبرده، عده‌ای از عناصر اخلاک‌گر دست به تظاهرات زده و مبادرت به قتل یک نفر پاسبان و زخمی کردن عده‌ای دیگر نموده‌اند...» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۹: ۳۹۱/۷).

در سال ۱۳۵۷ و هم‌زمان با اوج نهضت اسلامی زلزله‌ای مهیب در طبس به وقوع پیوست، امام خمینی در پیامی که از نجف صادر کرد، ملت ایران را به یاری زلزله‌زدگان فراخواند؛ به همین سبب دانشجویان مسلمان دانشگاه مشهد نیز ستاد مستقلی برای کمک به زلزله‌زدگان طبس تشکیل دادند. سید محمد علم‌الهدی از محمدعلی امیرزرگر که از دوستان دوره دانشجویی سید حسین علم‌الهدی بود، نقل می‌کند که حسین برخلاف دیگر دانشجویان به طرز خستگی‌ناپذیری فعالیت می‌کرد. علاوه بر آن، پس از ورود فرح پهلوی به مشهد که پس از زلزله طبس صورت گرفت، تظاهراتی را علیه رژیم تدارک دیدند (سید محمد علم‌الهدی، ۱۵ مهر ۱۳۹۶).

۶- بازگشت به اهواز و ادامه فعالیت‌های سیاسی

سید حسین علم‌الهدی در سال ۱۳۵۷ از مشهد به اهواز بازگشت و مبارزات سیاسی خود را در این شهر ادامه داد. وی به دلیل علایق مذهبی ابتدا به مکتب قرآن رفت و آمد داشت که در آنجا با برخی از افراد مبارز از جمله «یدالله»، که بعداً با همکاری همدیگر و برخی دیگر از مبارزان گروه موحدین را تشکیل دادند، آشنا شد (یدالله، ۹ تیر ۱۳۹۷).

سید حسین علم‌الهدی همراه دوستان و همفکران خود که جزو طرفداران نهضت اسلامی و امام خمینی بودند، اقدامات دیگری از جمله؛ دیوارنویسی، تظاهرات و تهیه و پخش اعلامیه را همچنان ادامه دادند (لحظه‌های آشنا، ۱۳۸۸: ۲۶). همچنین در دهه محرم سال ۱۳۵۷ به پیشنهاد سید حسین علم‌الهدی و به قصد اعتراض به حکومت نظامی قرار شد در یک ساعت معین، از بلندگوی همه مساجد شهر، به مدت پانزده دقیقه، تکبیر گفته شود (سید محمد علم‌الهدی، ۱۵ مهر ۱۳۹۶؛ لحظه‌های آشنا، ۱۳۸۸: ۲۷).

همکاری با مبارزانی که برای سخنرانی به اهواز می‌آمدند از دیگر اقدامات سید حسین علم‌الهدی بود؛ چنانکه حجت‌الاسلام هادی غفاری نقل می‌کند که در سال ۱۳۵۶ برای سخنرانی به آبادان رفته و پس از سخنرانی علیه نظام، دستگیر اما هنگامی که قصد انتقال وی به تهران را داشته‌اند در ایستگاه راه‌آهن اهواز به کمک سید حسین علم‌الهدی و دوستانش توانسته است از دست مأموران

فرار کند (خاطرات هادی غفاری ، ۱۳۷۴: ۲۲۷-۲۲۶). تدارک کلاس‌های عقیدتی برای معلمان که با نهضت اسلامی همراه بودند نیز از دیگر فعالیت‌های سید حسین علم‌الهدی بود (لحظه‌های آشنا، ۱۳۸۸: ۴۲).

۱-۶- طرح‌ریزی شبه‌کودتا در اهواز

یکی از مهم‌ترین اقدامات سید حسین علم‌الهدی در فروردین سال ۱۳۵۷ش، طراحی عملیاتی در سیزدهم فروردین سال ۱۳۵۷ بود. حجت‌الاسلام هادی غفاری از این عملیات به‌عنوان «شبه‌کودتا» نام می‌برد که قرار بود طی آن در حین سخنرانی هادی غفاری در مسجد جزایری طی عملیاتی با خلع سلاح شهربانی، ژاندارمری و حمله به ساواک، خوزستان را آزاد کنند که این عملیات به سرانجام نمی‌رسد (ر.ک. خاطرات هادی غفاری، ۱۳۷۴: ۲۲۸-۲۳۱)^۱.
اما سید حسین علم‌الهدی از مرحله‌ای به بعد وارد مبارزات مسلحانه شد. اینکه چرا و تحت چه شرایطی به این‌گونه فعالیت‌ها روی آورد و با چه افرادی همراه شد و چه اقداماتی انجام داد؟ از پرسش‌هایی است که در مبحث بعدی به آن خواهیم پرداخت.

۲-۶- تشکیل گروه موحدین

از سال ۱۳۵۰ به بعد تحت تأثیر رسوخ اندیشه‌های نوین در دین‌شناسی از یک‌سو و گسترش دامنه مبارزه با شاه میان انقلابیون از سوی دیگر- که خود محصول راه افتادن جریان مجاهدین، فدائیان خلق و حسینیه ارشاد بود- عده زیادی از جوانان مذهبی در دانشگاه و حتی برخی از طلاب متأثر از شریعتی و مجاهدین در اندیشه ایجاد تشکل‌ها و سازمان‌های چریکی و انجمن‌های فرهنگی تازه‌ای برآمدند؛ بنابراین در میان این گروه‌ها، تعدادی از آنها جزو گروه‌های مذهبی و متصل با روحانیت بودند و در خط مرجعیت حرکت می‌کردند (جعفریان، ۱۳۹۰: ۷۳۷-۷۳۸).

۱. در اسناد ساواک در مورد از این حادثه که در مسجد جزایری اهواز رخ داد، گزارش‌هایی آمده است (ر.ک. انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۸: ۱۸۲/۴-۱۸۱).

در شمار این گروه‌ها که به‌طور معمول از دل انجمن‌های اسلامی، جلسات قرآن و یا بچه‌های مسجد پدید می‌آمدند، باید به هفت گروه امت واحده، توحیدی بدر، توحیدی صف، فلاح، فلق، منصورون و موحدین اشاره کرد (جعفریان، ۱۳۹۰: ۷۳۷-۷۳۸) که از میان آنها دو سازمان «منصورون» و «موحدین» در منطقه خوزستان و مخصوصاً در شهر اهواز شکل گرفتند (علم، ۱۳۸۶: ۱/ ۶۹۵).

سید حسین علم‌الهدی همراه حجت‌الاسلام هادی کرمی و محمدعلی مالکی و یدالله هسته اصلی گروه موحدین را تشکیل دادند. نکته قابل توجه این است که در همان جلسات اولیه سید حسین علم‌الهدی، اسم «موحدین» را پیشنهاد می‌دهد؛ زیرا قبلاً با گروه ضد بهائیت موحدین کار کرده بود (یدالله، ۹ تیر ۱۳۹۷).

یدالله از اعضای اصلی گروه موحدین در مورد علت وارد شدن به فاز نظامی و مسلحانه می‌گوید:
...اگر یک پرستیژ مبارزاتی نداشتید خیلی پای منبر نمی‌نشستند که مطلبی را بگیرند. وقتی گروه‌هایی بودند که کار مسلحانه می‌کردند، فضایی نبود که فقط کتاب باز کنی و برای طرف از دین و مذهب بگویی. برای جذب آنها باید کار مبارزاتی می‌کردی. اصلاً یک علت اینکه موحدین به سمت فاز نظامی و مسلحانه کشیده شد این بود که می‌دید فعالیت‌های فرهنگی خیلی جذبه ندارد... ما هم به این نتیجه هم رسیده بودیم که کار فرهنگی تنها جواب نمی‌دهد... که به تدریج به فکر جمع‌آوری سلاح افتادیم (یدالله، ۹ تیر ۱۳۹۷).

علاوه بر اعضای اصلی گروه موحدین که در اصل چهار نفر بودند،^۱ به تدریج و به‌ضرورت از افراد دیگری در شهرهای دیگر استفاده شد. این افراد جزو نیروهای بودند که بعداً به موحدین پیوستند (یدالله، ۹ تیر ۱۳۹۷).

۱. این چهار نفر عبارت بودند از: شیخ هادی کرمی، سید حسین علم‌الهدی، محمدعلی مالکی و یدالله.

در هر صورت گروه موحدین به اقدامات مسلحانه‌ای دست زدند که برای انجام این عملیات‌ها، تعدادی از بازاریان اهواز امکانات مادی را از طریق آیت‌الله موسوی جزایری در اختیار آنها قرار می‌دادند (یدالله، ۹ تیر ۱۳۹۷) و تهیه اسلحه برای این عملیات‌ها نیز به واسطه حجت‌الاسلام هادی کرمی و از طریق عشایر عرب و از مرزهای عراق صورت می‌گرفت (سید حمید علم الهدی، ۵ مهر ۱۳۹۶) که در ادامه به شرح مهم‌ترین این عملیات‌ها پرداخته می‌شود.^۱

۶-۲-۱- حمله به کنسولگری عراق در خرمشهر

در سال ۱۳۵۷ش، با اوج‌گیری نهضت اسلامی، دولت عراق، امام خمینی را مجبور به ترک عراق نمود، دولت کویت نیز از پذیرفتن ایشان خودداری کرد. در اعتراض به این اقدام، اعضای گروه موحدین تصمیم گرفتند کنسولگری عراق در خرمشهر را منفجر کنند؛ اما قبل از آن تصمیم بر آن بود که سفارت عراق در تهران مورد حمله قرار گیرد که پس از بررسی جوانب امر و ناممکن بودن حمله به سفارت از این اقدام منصرف شدند؛ زیرا علاوه بر آنکه برنامه‌ریزی دقیقی نداشتند، دو محافظ سفارت، مسلح به سلاح ژ-۳ و کلت بودند در صورتی که گروه تنها یک کلت به همراه داشتند (سعیدی، ۱۳۸۵: ۳۶).^۲

۱. برخی از آثاری که در مورد گروه‌های مبارز مسلمان تألیف شده‌اند عملیات‌های دیگری را به گروه موحدین نسبت داده‌اند از جمله؛ تدارک مراسمی به مناسبت چهلم واقعه تبریز در ۱۰ فروردین ۱۳۵۷، افشاگری در مراسم سوم شهدای یزد در چهاردهم فروردین ۱۳۵۷ که منجر به تظاهرات، درگیری با پلیس و کشته شدن یک نفر شد، تدارک حمله به ۱۸ شعبه‌ی بانک صادرات اهواز با مواد اشتعالی که ده مورد آن با موفقیت همراه بود در شب چهاردهم فروردین ۱۳۵۷، حمله به شعبه کوروش بانک صادرات اهواز در اوایل مرداد ۱۳۵۷، همچنین به آتش کشیدن دو مرکز اشاعه فساد و فرهنگ غربی (امجدی، ۱۳۸۳: ۲۹۱-۲۹۰). محمود بخشنده از اعضای گروه موحدین در خاطرات خود اشاره می‌کند چون بانک صادرات متعلق به هژبر یزدانی بود بنابراین در سال ۱۳۵۷ چند شعبه آن در تهران شناسایی و مورد حمله قرار گرفت (بخشنده، ۲ آذر ۱۳۹۶).

۲. محمود بخشنده از اشخاصی که در عملیات‌های تهران با گروه موحدین همکاری داشته است همچنین اشاره می‌کند که روی هواپیمایی اسرائیل هم کار شد حتی دبه‌های بنزین هم فراهم شد؛ اما چون خطر آن بالا بود از انجام آن منصرف شدیم (بخشنده، ۲ آذر ۱۳۹۶).

با ناکام ماندن عملیات‌های تهران قرار شد که به کنسولگری عراق در خرمشهر حمله کنند که پس از تحقیقات و شناسایی محافظان کنسولگری، قرار می‌شود که نفر اول تیم با کلت به پاسبان‌های محافظ حمله کرده و دو نفر دیگر شیشه‌های ساختمان کنسولگری عراق را شکسته، با مواد آتش‌زا، آن را به آتش بکشند. مدت عملیات را نیز ۳۰ ثانیه در نظر گرفته بودند؛ اما در حین عملیات در ۲۵ مهر ۱۳۵۷، به محض شلیک گلوله به طرف محافظ، از درون کنسولگری نیز به طرف آنها تیراندازی می‌شود که مجبور به عقب‌نشینی و ترک صحنه می‌شوند. این درگیری به کشته شدن یکی از محافظان کنسولگری انجامید (امجدی، ۱۳۸۳: ۳۹۲).

در اسناد ساواک تاریخ این عملیات ۱۸ مهر و تعداد افراد حاضر در این عملیات پنج نفر ذکر شده است که پس از کشتن پلیس مراقب کنسولگری و رسیدن مأمور دیگری، مهاجمان با به‌جا گذاشتن وسایل همراه خود از محل متواری می‌شوند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۲: ۱۷۲/۱۳).

عملیات مذکور هرچند طبق نقشه پیش نرفت؛ اما در برخی رسانه‌های خارجی انعکاس یافت و تأثیر زیادی نیز در داخل و در میان انقلابیون به‌جای گذاشت؛ زیرا در میان افکار عمومی این نکته را القا کرد که امام خمینی فداییانی دارد که هر جا که عملیات مسلحانه را به صلاح بدانند آن را به‌موقع اجرا خواهند گذاشت (علم، ۱۳۸۶: ۷۰۷/۱؛ سید حمید علم الهدی، ۵ مهر ۱۳۹۶).

۶-۲-۲- بمب‌گذاری در شهربانی کرمان

اقدامات گروه موحدین محدود به خوزستان نشد، بلکه عملیات‌هایی را در کرمان نیز پی‌ریزی کردند. عملیات تلافی‌جویانه کرمان پس از آن صورت گرفت که حوادثی در مسجد جامع

کرمان،^۱ مسجد نوی شیراز و مسجد بهبهان به وقوع پیوست و گروه موحدین به این تحلیل رسید که رژیم با ایجاد رعب و وحشت و یأس در میان آنها از طریق کشتن مردم، توهین به مساجد و مقدسات درصدد مهار انقلاب است؛ بنابراین تصمیم گرفتند در یک سلسله عملیات‌های تلافی-جویانه در برابر رژیم ایستادگی کنند.

بعد از جریان مسجد جامع کرمان، برادر محمد فلاح که روحانی و در قم ساکن بود به محمد فلاح اطلاع می‌دهد که به همراه همفکران خود به اقدامات تلافی‌جویانه دست بزنند. در همین راستا سید حسین علم‌الهدی، محمدعلی مالکی، شیخ هادی کرمی و یدالله ابتدا به قم نزد برادر محمد فلاح می‌روند (یدالله، ۹ تیر ۱۳۹۷) که ایشان، گروه را با یکی از افراد مبارز شهر مرتبط می‌کند تا از طریق وی به اطلاعات و امکانات لازم دسترسی پیدا کرده، مراکز مهم پلیسی و نظامی شهر و همچنین مهره‌های اصلی رژیم در منطقه و عاملان آدم‌کشی و آتش زدن مسجد را دقیقاً شناسایی کنند (امجدی، ۱۳۸۳: ۳۹۵).

اولین اقدام گروه موحدین در کرمان، انفجار در شهربانی بود. در این ماجرا، سید حسین علم‌الهدی از قبل شناسایی‌های لازم را انجام داد که شب‌ها داخل یک جوی آبی که روبه‌روی شهربانی قرار داشت می‌خوابید و از آنجا شهربانی را زیر نظر داشت که چگونه مراجعان را کنترل

۱. حادثه مسجد جامع کرمان پس از آن رخ داد که روز ۲۴ مهر ۱۳۵۷ حدود ۲۰ هزار نفر از به‌منظور بزرگداشت اربعین شهدای ۱۷ شهریور تهران و اولین سالگرد شهادت آیت‌الله سیدمصطفی خمینی به دعوت علما و روحانیان کرمان در مسجد اجتماع کرده بودند که ناگهان حدود ۳۰۰ نفر که ظاهراً از کولی‌های بودند با چوب و میله آهنی و سردادن شعار به مسجد حمله کردند که در این موقع پلیس نیز وارد عمل شد که بر اثر حمله مهاجمان قسمتی از وسایل و ساختمان مسجد به آتش کشیده شد (روزها و رویدادها، ۱۳۷۷: ۳/ ۱۰۶-۱۰۵). در یکی از گزارش‌های ساواک نیز راجع به این حادثه آمده است: «از ساعت ۰۸۰۰ روز ۲۴/۷/۵۷ (۲۲۵۳۷) شاهنشاهی، عده‌ای حدود ۵۰۰۰ نفر از طبقات مختلف مردم شهر کرمان، در مسجد جامع کرمان اجتماع و دو نفر از قشریون مذهبی سخنرانی تحریک‌آمیزی ایراد و سپس جمعیت به نفع خمینی شعار داده‌اند. متقابلاً عده‌ای حدود ۱۰۰۰ نفر از افراد میهن‌پرست با در دست داشتن تمثال‌های شاهنشاه آریامهر، با دادن شعارهای جاوید شاه، در برابر مسجد مذکور اجتماع و در این هنگام بین گروه‌های موافق و مخالف درگیری ایجاد و ۲۵ نفر از مخالفین مجروح که عناصر اخلاک‌گرا پراکنده شده‌اند...» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۲: ۱۳/ ۴۵۷).

می‌کنند. بعد از انجام شناسایی، سید حسین علم‌الهدی به همراه یدالله به بهانه گرفتن گذرنامه چند بار به شهربانی رفتند و محل انفجار را به دقت مورد بررسی قرار دادند. در روز عملیات نیز سید حسین علم‌الهدی با این بهانه که پایش صدمه دیده است لنگ‌لنگان راه می‌رفت که مواد منفجره را که به شکل خمیری دور پایش پیچیده شده بود و چاشنی و فتیله که در شلوارش جاسازی شده بود پیدا نباشد. سید حسین علم‌الهدی و یدالله پس از گذشتن از بازرسی وارد ساختمان شهربانی شدند و پس از انفجار مواد در یکی از توالت‌های شهربانی از ساختمان بیرون آمدند. در بیرون ساختمان نیز شیخ هادی کرمی و محمدعلی مالکی منتظر آنها بودند که پس از سوار شدن به ماشین از محل دور شدند. اهمیت این عملیات در این بود که داخل مقر حکومت نظامی، که عامل کشتار مسجد جامع تلقی می‌شد، چنین اقدامی صورت گرفته بود (یدالله، ۹ تیر ۱۳۹۷).

۶-۲-۳- ترور سرهنگ سروری، قائم‌مقام شهربانی کرمان

افراد اعزامی به کرمان تصمیم گرفتند عاملان کشتار مسجد جامع را نیز ترور کنند. گروه موحدین پس از دو هفته تحقیق به این نتیجه می‌رسند که رئیس ساواک، استاندار، رئیس شهربانی و یکی از معاونانش در جریان حمله به مسجد جامع مشارکت مؤثر و مستقیم داشته‌اند، بنابراین ابتدا رئیس ساواک و رئیس شهربانی را به‌عنوان اهداف اصلی تعیین می‌کنند که به دلیل فرار این افراد بعد از حادثه‌ی مسجد جامع به مدت یک هفته معطل می‌شوند (عبداللهی نیا، ۱۳۹۳: ۲۸۰-۲۷۹)؛ تا این که تصمیم می‌گیرند از بین سرهنگ سروری و رئیس پادگان و معاون ساواک، سرهنگ سروری را که عامل مستقیم حمله به مسجد تلقی می‌شد، انتخاب کنند (امجدی، ۱۳۸۳: ۳۹۶).

برای انجام این کار ابتدا محل رفت‌وآمد وی توسط سید حسین علم‌الهدی و دوستانش شناسایی شد. در این میان با یک مشکل روبه‌رو بودند و آن اینکه سرهنگ سروری همه‌روزه دختر کوچک خود را به مدرسه می‌برد، چون آنها قصد نداشتند او را در مقابل دیدگان دخترش ترور کنند. به همین سبب انجام عملیات با تأخیر صورت گرفت (یدالله، ۹ تیر ۱۳۹۷)؛ ولی درنهایت

عملیات در تاریخ ۲۲ آبان ۱۳۵۷ صورت گرفت. سپس گروه موحدین اعلامیه‌ای منتشر کرد و مسئولیت این اقدام را بر عهده گرفتند (امجدی، ۱۳۸۳: ۳۹۷ و ۵۲۹) و پس از آن به اهواز بازگشتند.

۶-۲-۴- ترور "پل گریم": مستشار آمریکایی شرکت نفت

سال ۱۳۵۷ صنعت نفت ایران ۲۰ درصد از تولید نفت اوپک را بر عهده داشت و پس از عربستان دومین صادرکننده بزرگ نفت جهان بود. در این شرایط ضربه زدن به یکی از ارکان مهم اقتصادی نظام حاکم می‌توانست در فروپاشی پایه‌های آن نقش مؤثری داشته باشد. در کنار اعتصاب کارکنان و کارگران صنعت نفت، از میان برداشتن شخصیت‌های کلیدی آن بر شدت بحران سیاسی حکومت می‌افزود؛ در همین راستا پس از انجام عملیات‌های کرمان، اعضای گروه موحدین به اهواز بازگشتند و برای عملیات ترور پل گریم آمریکایی، نماینده کنسرسیوم و مدیر ارشد عملیات بهره‌برداری و تولید نفت مناطق جنوب، برنامه‌ریزی کردند. توضیح آنکه، در سال ۱۳۵۷، اعتصابات عمومی در حال گسترش بود اما پیوستن کارکنان شرکت نفت به اعتصابات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود؛ به همین جهت امام خمینی در پیامی، کارکنان صنعت نفت را به پیوستن به اعتصاب دعوت کردند به دنبال این پیام، گروه موحدین، تصمیم گرفتند یکی از مستشاران آمریکایی شرکت نفت به نام پل گریم را ترور کنند. قبل از موحدین، گروه منصورون به «لینگ» از دیگر آمریکایی‌های فعال در شرکت نفت حمله کرده بودند^۱ که منجر به فرار وی از ایران شده بود (سعیدی، ۱۳۸۵: ۴۱).

به دنبال حادثه لینگ، گروه موحدین تصمیم گرفتند پل گریم را ترور کنند تا بدین وسیله به شرکت نفت ضربه اساسی وارده کرده و به اعتصابات دامن بزنند. گروه موحدین قبل از ترور پل گریم ظاهراً به وسیله تلفن و نامه وی را تهدید کرده بودند که چنانچه ایران را ترک نکند به قتل

۱. مطابق اسناد ساواک، حمله به «جرج لینگ» در تاریخ ۱۳۵۷/۸/۲۲ صورت گرفت که البته جرج لینگ آسیبی ندید ولی راننده وی مجروح شد (ر.ک. انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۴: ۵۲/۱۶).

۸۰..... نشریه علمی تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، سال پنجم، شماره ۹، بهار و تابستان ۱۴۰۲

خواهد رسید (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۵: ۲۲ / ۱۸۰؛ روزشمار انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳: ۳۳ / ۹).

در عملیات ترور پل گریم چند تن از اعضای گروه موحدین از جمله؛ محمدعلی مالکی، هادی کرمی، یدالله و موسوی حضور داشتند. (محمد رضا علم، ۱۳۸۶: ۱ / ۷۱۵). اما سید حسین علم الهدی حضور نداشت زیرا قبل از انجام عملیات، هنگام عبور از کنار ماشین‌های حکومت نظامی دستگیر و زندانی شد (یدالله، ۹ تیر ۱۳۹۷). در هر صورت، اعضا عملیات ترور را به سرانجام رساندند. در همان زمان نیز گروه منصورون، یکی دیگر از اعضای رده بالای ایرانی شرکت نفت به نام مهندس «بروجردی» را ترور کردند (سعیدی، ۱۳۸۵: ۴۱؛ انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۵: ۲۲ / ۶۰ و ۱۸۰).

ترور پل گریم، کارشناس عالی رتبه آمریکایی در صنعت نفت ایران که روز دوم دی ماه در اهواز صورت گرفت، با همراه استعفای دسته جمعی بیش از چهار هزار تن از کارکنان و کارگران بخش نفت، صدور نفت را از جزیره خارک متوقف کرد (سید محمد علم الهدی، ۱۵ مهر ۱۳۹۶). از طرف دیگر، در پی ترور پل گریم یک هواپیمای آمریکایی برای انتقال یک صد کارشناس آمریکایی باقی مانده در شهر اهواز، وارد این شهر شد (روزشمار انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳: ۳۳ / ۹).

آمده است که پس از این عمل، کارگران صنعت نفت، دامنه‌ی اعتصاب‌ها را گسترش دادند و اعتصاب‌ها به دیگر مناطق نیز کشیده شد؛ به طوری که رژیم مجبور شد برای حفظ جان سایرین، نیرو و امکانات بیشتری را به کار گیرد. همچنین این ترور انعکاس جهانی نیز داشت و رادیوهای خارجی به تفسیر آن پرداخته، اثرات آن را بررسی کردند (امجدی، ۱۳۸۳: ۴۰۰).

۶-۲-۵- حمله به پادگان شماره ۲ فرمانداری نظامی اهواز و دستگیری مجدد سید حسین علم-

الهدی

سید حسین علم الهدی پس از آنکه در جریان حکومت نظامی دستگیر و روانه زندان می‌شود از بازاری‌هایی که در آن زمان در زندان بودند درخواست می‌کند که مقدمات آزادی وی را فراهم کنند، آنها نیز پس از صحبت با مقام‌های مسئول در زندان و با این استدلال که او را بدون هیچ دلیلی به زندان انداخته‌اند، مقدمات آزادی وی از زندان را فراهم می‌کنند. محسن اشعری نیز اذعان دارد که حاج محمد یحیوی از بازاریان اهواز که در آن زمان در زندان به سر می‌برد، باعث آزادی سید حسین علم الهدی از زندان شد (اشعری، ۲۷ مهر ۱۳۹۶).

سید حسین علم الهدی پس از آزادی با دیگر اعضا گروه موحدین عملیات تازه‌ای را طراحی کردند و آن حمله به یک پادگان نظامی بود که در جریان این عملیات دوباره دستگیر و روانه زندان می‌شود. البته در برخی از آثار عنوان شده است که این دستگیری پس از طرح حمله به خانه فرماندار نظامی اهواز صورت گرفت که پس از درگیری با مأموران، سید حسین علم الهدی با مقداری بمب دستگیر می‌شود و با دستگیری او عملیات ناتمام می‌ماند (برای نمونه ر.ک. سعیدی، ۱۳۸۵: ۴۰). حتی در اسناد ساواک نیز آمده است که سرنشینان یک دستگاه اتومبیل که قصد حمله به نگهبانان منزل فرمانده لشکر ۹۲ زرهی اهواز را داشتند پس از مواجه شدن با تیراندازی مأموران، متواری گردیدند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۴: ۱۹/۱۲۷)؛ اما یدالله که خود در این عملیات حضور داشته است می‌گوید که اصل این عملیات برای به دست آوردن سلاح بود که به همین منظور یک دکل نظامی که دو نگهبان مسلح داشت را در نظر می‌گیرند^۱ اما در شناسایی‌ها دقت کافی نشده بود که خانه فرماندار نظامی کنار همین دکل است و تمام طول خیابان نیز پر از نیروی مسلح بود (یدالله، ۹ تیر ۱۳۹۷).

نکته مهم درباره این عملیات این است که سید حسین علم الهدی پس از دستگیری خود را با نام برادرش حمید معرفی کرد (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۴: ۱۹/۱۲۷)؛ زیرا قبلاً دو بار دستگیر شده بود و دستگیری سوم در حکومت نظامی، مجازات اعدام داشت (بایرامی،

۱. در اعلامیه‌های مربوط به موحدین از این عملیات تحت عنوان «حمله به پادگان شماره ۲ فرمانداری نظامی اهواز» نام برده شده است (ر.ک. روزنامه آیندگان، شماره ۳۲۷۵، ۱۳۵۷/۱۱/۹، صص ۱-۲).

۱۳۹۴: ۴۷). سید حسین علم‌الهدی پس از دستگیری تحت شکنجه‌های فراوانی قرار گرفت؛ ولی هیچ‌گاه به داشتن اسلحه و معرفی دوستان خود اعتراف نکرد (لحظه‌های آشنا، ۱۳۸۸: ۲۵). سید حسین علم‌الهدی با تغییر نام خود نه‌تنها از مجازات اعدام رهایی یافت، بلکه درصدد بود راهی برای فرار از زندان پیدا کند؛ به‌طوری‌که در ملاقات با خانواده‌اش به آنها گفته بودند برای ملاقات بعدی با خود یک چادر بیاورند تا در ملاقات بعدی چادر بپوشد و از زندان فرار کند؛ اما این کار عملی نشد، زیرا چند روز بعد زندانی‌های سیاسی آزاد شدند (سید حمید علم‌الهدی، ۵ مهر ۱۳۹۶).

ماجرای آزادی سید حسین علم‌الهدی بدین‌قرار بود که پس از خروج شاه از کشور در ۲۶ دی‌ماه ۱۳۵۷، و با بالا گرفتن مبارزات مردمی علیه نظام، بسیاری از زندانیان سیاسی از زندان آزاد شدند و که سید حسین علم‌الهدی که با نام سید حمید علم‌الهدی خود را معرفی کرده بود نیز از زندان آزاد شد و به همراه همفکران خود، عملیات تازه‌ای را به‌منظور ضربه زدن به رژیم، مدنظر قرار دادند که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

۶-۲-۶- ورود به تهران و طرح ترور غلامحسین دانشی

با نزدیک شدن پیروزی انقلاب، گروه موحدین، برای عملیات دیگری برنامه‌ریزی کردند و آن ترور غلامحسین دانشی از نمایندگان مجلس شورای ملی بود. توضیح آنکه، امام خمینی در هنگام اقامت در پاریس در پیامی اعلام کردند که مجلس شورا غیرقانونی است و باید تعطیل شود. به دنبال آن، تنی چند از نمایندگان استعفا دادند؛ اما جمعی دیگر از این کار امتناع ورزیدند و به دفاع از رژیم پرداختند. در این میان غلامحسین دانشی، نماینده آبادان و از نمایندگان روحانی مجلس، حرکت انقلابی مردم به رهبری امام خمینی را توطئه علیه نظام و مجلس قانونی قلمداد کرد. این سخنان باعث شد گروه موحدین برای ترور وی برنامه‌ریزی کنند (سعیدی، ۱۳۸۵: ۴۲).

اعضای گروه موحدین برای انجام عملیات ترور غلامحسین دانشی و شناسایی محل زندگی و نحوه رفت و آمد وی، به محل امنی برای اسکان نیاز داشتند که برای این منظور منزل آقای گراشی^۱ در تهران به عنوان محل اقامت چند تن از اعضای گروه موحدین (محمود بخشنده، شیخ هادی کرمی و سید حسین علم الهدی) در نظر گرفته شد و در ملاقات اعضای گروه با آقای گراشی قرار شد وی به عنوان راهنما برای این عملیات با گروه همکاری کند (گراشی، ۲ دی ۱۳۹۶).

در این عملیات، سید حسین علم الهدی، حجت الاسلام هادی کرمی و محمود بخشنده به راهنمایی آقای گراشی مسیر رفت و آمد غلامحسین دانشی را بررسی و در یک موقعیت مناسب با یک تصادف ساختگی مسیر ماشین را سد کرده و به وی شلیک کردند. آقای گراشی بیان می کند که پس از بازگشت به خانه «آقایان با این اعتقاد و باور که یکی از تکالیف انجام شده است سجده شکر را به جا آوردند» (گراشی، ۲ دی ۱۳۹۶).

در پی این حادثه دانشی از محل شانه زخمی و او را به بیمارستان ۲۵ شهریور اعزام کردند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۶: ۲۵ / ۷۹) که سید حسین علم الهدی برای اطلاع از وضعیت دانشی به بیمارستان رفت (بخشنده، ۲ دی ۱۳۹۶).

گروه موحدین در بیانیه ای که در اختیار روزنامه آیندگان قرار داد، ضمن پذیرش مسئولیت ترور دانشی، سایر نمایندگان مجلس را به این نحو مورد تهدید قرار دادند: «... بدین وسیله به تمامی نمایندگان مجلسین غیرقانونی اخطار می شود که در صورت سرپیچی از فرمان امام سرانجامشان چنین خواهد بود» (ر.ک. روزشمار انقلاب اسلامی، ۱۳۹۳: ۱۴ / ۲۹۹).^۲

۱. این نام مستعار است و به درخواست راوی از ذکر نام واقعی ایشان خودداری می شود.

۲. در این مورد در یکی از اسناد ساواک آمده است: «برابر اطلاع واصله به منزل تک تک وکلای مجلس تلفن شده و تهدید نموده اند در صورتی که استعفا ندهند به سرنوشت دانشی دچار خواهند شد به همین جهت وکلای مجلس تقاضای اسلحه برای خود نموده اند» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۶: ۲۵ / ۱۷۱ و ۲۰۲).

۶-۲-۷- طرح ترور ژنرال هایزر آمریکایی

یکی از مهم‌ترین عملیات‌هایی که گروه موحدین با گروه منصورون درصدد اجرای آن بودند، طرح ترور ژنرال هایزر آمریکایی بود. علیرضا مسرتی به نقل از محمد دهشور، که در این عملیات شرکت داشته است، می‌گوید که زمانی که ژنرال هایزر در ایران به سر می‌برد به تعقیب و مراقبت از وی می‌پردازند؛ اما متوجه شدند که به‌شدت از وی محافظت می‌شود، به‌طوری‌که گفته می‌شد دوازده ماشین یک‌شکل از دوازده نقطه شهر حرکت می‌کرد که معلوم نبود سوار کدام‌یک از آنها است. با این حال مدتی مراقبت کردند که ماشین اصلی را پیدا کنند که به پیروزی انقلاب منتهی شد و هایزر از ایران می‌رود و انجام عملیات نیز منتفی می‌گردد (مسرتی، ۲۰ دی ۱۳۹۶).

نتیجه‌گیری

فضای سیاسی- فکری جنوب کشور، تولد و تربیت در یک خانواده مذهبی، پیشینه مبارزاتی خانواده علم‌الهدی، تأثیر آموزه‌های اسلامی و نشست و برخاست با مبارزان سیاسی (اعم از روحانی و غیرروحانی) در روی آوردن سید حسین علم‌الهدی به فعالیت‌های سیاسی، پیوستن به نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی و مبارزه علیه نظام حاکم مؤثر بوده است. در همین راستا سید حسین علم‌الهدی به همراه همفکران خود به عملیات‌هایی دست زدند که برخی از آنها نه تنها بازتاب‌های وسیعی در کشور و حتی خارج از مرزهای کشور داشتند، بلکه در تسریع روند پیروزی انقلاب تأثیرگذار بودند.

کتابنامه

الف) اسناد

مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان)، سند شماره ۰۰۶۶۸۰۴۹

مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان)، سند شماره ۰۰۶۷۱۰۹۳

مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان)، سند شماره ۰۰۸۳۴۰۵۲

مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان)، سند شماره ۰۰۸۳۴۰۵۳

مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان)، پرونده شماره ۲۶۱۹۱

مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان)، پرونده شماره ۲۹۰۹۴

مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان)، سند شماره ۷۶۳۳۰۰۰۰۵

مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان)، سند شماره ۷۶۳۳۰۰۰۰۶

مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان)، اسناد شماره ۷۶۳۳۰۰۰۰۹

مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان)، سند شماره ۷۶۳۳۰۰۰۰۱۰

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۶.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ج ۴، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات،

۱۳۷۸.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ج ۶، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات،

۱۳۷۸.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ج ۷، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات،

۱۳۷۹.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ج ۱۳، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات،

۱۳۸۲.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ج ۱۶، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات،

۱۳۸۴.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ج ۱۹، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات،

۱۳۸۴.

۸۶..... نشریه علمی تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، سال پنجم، شماره ۹، بهار و تابستان ۱۴۰۲

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ج ۲۲، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۵.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ج ۲۵، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۶.

ب) کتاب

اکبری، علی، مجموعه خاطرات و نوحه‌های حاج صادق آهنگران در سال‌های دفاعی مقدس، تهران: نشر یا زهرا، ۱۳۹۱.

بایرامی، محمدرضا، سه روایت از یک مرد، تهران: نشر هویزه و نشر شاهد، ۱۳۹۴.

خاطرات حجت‌الاسلام والمسلمین هادی غفاری، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴.
رسول جعفریان، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران (از روی کار آمدن محمدرضا شاه تا پیروزی انقلاب اسلامی) سال‌های ۱۳۲۰ - ۱۳۵۷، تهران: علم، ۱۳۹۰.

روزشمار انقلاب اسلامی، ج ۹، به کوشش میرزا باقر علیان نژاد، تهران: سوره مهر، ۱۳۸۳.

روزشمار انقلاب اسلامی، ج ۱۴، به کوشش میرزا باقر علیان نژاد، تهران: سوره مهر، ۱۳۹۳.

روزها و رویدادها، ج ۳، تهران: زهد، ۱۳۷۷.

سیر مبارزات یاران امام خمینی در آینه اسناد به روایت ساواک، ج ۴، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۳.

عبداللهی‌نیا، علی، انقلاب اسلامی در کرمان، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۳.

علم، محمدرضا، انقلاب اسلامی در اهواز، ج ۱، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶.

لحظه‌های آشنا، خاطرات شهید علم‌الهدی، قم: نشر هویزه، ۱۳۸۸، ج ۵.

مسرتی، علیرضا، دین، خاطرات بچه‌های مسجد جزایری اهواز، تهران: سوره مهر، ۱۳۹۶.

ج) مصاحبه

سید محمد علم الهدی، ۱۵ مهر ۱۳۹۶.

حجت الاسلام والمسلمین سید حمید علم الهدی، ۵ مهر ۱۳۹۶.

محسن اشعری، ۲۷ مهر ۱۳۹۶.

محمود بخشنده، جلسه اول، ۲ آذر ۱۳۹۶.

محمود بخشنده، جلسه دوم، ۲ دی ۱۳۹۶.

دکتر فرج الله احمدی، ۸ تیر ۱۳۹۷.

دکتر محمدباقر تالشان، ۸ تیر ۱۳۹۷.

گراشی، ۲ دی ۱۳۹۶.

علیرضا مسرتی، ۲۰ دی ۱۳۹۶.

یدالله، ۹ تیر ۱۳۹۷.

(د) روزنامه

روزنامه آیندگان، شماره ۳۲۷۵، ۱۳۵۷/۱۱/۹.